

بررسی عوامل موثر بر تخصیص بهینه منابع مالی بودجه شده در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

کد مقاله: ۹۶۵۶۴

مرتضی تاجیک نوروژی^۱، فروغ پورواحدی^۲، آسیه فرازنده‌نیا^۳

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی عوامل موثر بر تخصیص بهینه منابع مالی بودجه شده در شرکتهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران است که در طی بازه زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ فعالیت داشته اند. روش تحقیق مورد نظر از نوع علی و همبستگی بوده و روش جمع‌آوری اطلاعات مورد استفاده در این تحقیق کتابخانه ای و همچنین از پایگاه داده‌های سازمان بورس اوراق بهادار بوده است و روش نمونه گیری مورد استفاده در این تحقیق حذف سیستماتیک بوده که در نهایت تعداد نمونه آماری تعداد ۱۰۸ شرکت طی هشت سال می‌باشد. همچنین پژوهش از نوع پژوهشهای کاربردی میباشد. این پژوهش دارای سه فرضیه میباشد. یافته های حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر رشد اقتصادی بر میزان منابع مالی قابل تخصیص به لحاظ آماری معنادار نیست و فرضیه اول پژوهش رد می شود. هم چنین یافته های حاصل از آزمون فرضیه دوم بیان می کند که تأثیر نرخ تورم بر قدرت خرید منابع مالی تخصیص یافته به لحاظ آمار معنادار و فرضیه پذیرفته می شوند. و نتایج حاصل از فرضیه سوم پژوهش نشان از تأثیر نرخ بیکاری بر اولویت‌های تخصیص منابع مالی به لحاظ آمار معنادار و فرضیه های سوم پذیرفته می شوند.

واژگان کلیدی: منابع مالی، تخصیص بهینه، منابع مالی بودجه شده، بودجه

۱- گروه مدیریت بازرگانی - بازاریابی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، تهران، ایران

۲- گروه مدیریت بازرگانی - بازاریابی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، تهران، ایران

۳- گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین، تهران، ایران

۱- مقدمه

بودجه بیانگر همه برنامه ها و فعالیتهای دولت بوده و نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصاد ملی ایفا میکند (کرامتی ۱۳۹۵). بودجه مهمترین سندی است که دستگاههای اجرایی رادر دستیابی به اهداف سند چشم انداز و برنامه های توسعه کشور و انجام اثربخش وظایف خود یاری میرساند. از این رو تالش برای بهبود و بهره وری بودجه در اجرای فعالیتهای دستگاههای اجرایی به منظور تخصیص بهینه منابع و کاهش نابرابریها همواره مورد توجه و چالش بوده است (حسن آبادی ۱۳۸۶). یکی از پرسشهای کلیدی در اقتصاد ایران، نحوه تخصیص منابع بودجه عمومی میان گزینه های مختلف است. به عبارت دیگر، کل منابع در اختیار دولت باید به «چه مواردی تخصیص یابد و همچنین باید به هر کدام از این موارد چه «میزان» منابع اختصاص یابد (نوری و همکاران ۱۴۰۰) فرایند تخصیص منابع طراحی شده تا مدیران قادر به تصمیم گیری آگاهانه، به سرعت، بدون سرمایه گذاری عمده در زمان، پول و منابع باشند این فرایند کمک خواهد کرد تا سریعاً مزایا در کوتاهمدت به وسیله بودجه محدودی ارائه شود. در اکثر سازمانهای دولتی به علت عدم بکارگیری روشی سیستماتیک در تخصیص منابع، بخش مالی هر ساله با مشکل چگونگی اختصاص منابع به بخشهای مختلف با توجه به لزوم پاسخگویی نسبی به اهداف مختلف سازمان روبرو میشود (موسوی مقدم و همکاران ۱۳۹۲). استفاده از روشهای مناسب بودجه بندی از کندی کار دستگاههای دولتی و اسراف اموال عمومی جلوگیری میکند و همچنین در پیشبرد مقاصد اجتماعی و اقتصادی نیز مؤثر بوده و دولت میتواند منابع ملی را به نحو عادلانه و مطلوب برای اهداف جامعه تخصیص دهد (مختاری ناصری ۱۳۹۵). تخصیص بهینه و عادلانه بودجه یک انتظار کارشناسانه و یک اصل عقلی است. آگاهی مدیران و تصمیم گیران در سطوح خرد و کالان از شیوه های بودجه بندی، علاوه بر استفاده عقلایی و تخصیص بهینه منابع، بستر مناسبی برای رشد و کارایی در دستگاهها، سازمانهای دولتی و همچنین کل کشور فراهم میسازد (دانش فرد و همکاران ۱۳۹۱). یکی از دلایل ضرورت استفاده از روشهای نوین در تخصیص منابع بودجه، تحقق عدالت سازمانی و کاهش نابرابری است؛ بنابراین تخصیص منابع باید به گونهای صورت پذیرد که بیشترین اثربخشی را داشته و متناسب با اهداف سازمان و جامعه باشد (محقر و همکاران ۱۳۸۵). بودجه بندی در بخش عمومی در سیر تحول تاریخی خود متناسب با نقش دولتها در اداره امور جامعه، شیوه های گوناگونی را تجربه کرده است و متناسب با تغییر نقش دولتها در امور اجتماعی و اقتصادی جامعه، بودجه بندی نیز ارتقاء یافته و تکمیل تر شده است. روشهای مختلفی برای بودجه بندی وجود دارد از جمله بودجه بندی متداول (سنتی) بودجه بندی بر مبنای صفر، بودجه بندی افزایشی، بودجه بندی برنامه های و بودجه بندی عملیاتی. تا قبل از تشکیل کمیسیون هور در ایالت متحده آمریکا، نظام بودجه بندی این کشور و سایر کشورهای جهان از روش متداول استفاده میکردند و از سال ۱۹۴۹ و بنا به پیشنهاد این کمیسیون، روش بودجه بندی برنامه ای در دستور کار قرار گرفت. از آن زمان تاکنون در آمریکا و برخی از کشورهای توسعه یافته دیگر نظیر انگلیس، استرالیا، نیوزیلند، کانادا و برخی کشورهای در حال توسعه تلاشهای زیادی برای تغییر نظام بودجه بندی از برنامه های به عملیاتی به عمل آمده است. برخی از این کشورها، در انجام این امر موفق بوده و برخی دیگر به تلاشهای خود برای تحقق این امر ادامه میدهند (باباجانی ۱۳۹۴). برنامه ریزی اصولی سیستم بودجه بندی یکی از عوامل مهم پیشرفت در بخشهای مختلف اقتصاد در کشور میباشد. عقب ماندگی و عدم توسعه و شکاف بین استانها ناشی از نواقص و ضعفهای نظام بودجه بندی میباشد (فرج وند ۱۳۹۵). با توجه به مطالب فوق، سوال اصلی پژوهش حاضر این است: آیا بین روشهای بودجه بندی (برنامه ای و عملیاتی) و تخصیص بهینه منابع در بخش عمومی رابطه وجود دارد یا خیر؟ ما در این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع هستیم که کدام روش بودجه بندی باعث تخصیص بهینه تر منابع از طریق مدل برنامه ریزی آرمانی میشود. هدف پژوهش کمک به سیستم بودجه بندی، به منظور شناخت عوامل مؤثر در بودجه بندی، تصمیمگیری مناسب در خصوص تخصیص بهینه منابع مالی و سرمایه گذاریهای مناسب در جهت پیشبرد رسالتها و اهداف در راستای رفع اتهام اتلاف منابع است. از این رو پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی به این سؤال اصلی است که چه عواملی بر تخصیص بهینه منابع مالی بودجه شده مؤثر است؟

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

محمدی و همکاران (۱۴۰۳) به مطالعه تخصیص بهینه منابع مالی مبتنی بر عوامل مؤثر در صنعت بانکداری پرداختند. نتایج آزمون فرضیه های پژوهش با استفاده از مدل معادلات ساختاری حاکی از این بود که سواد مالی، فناوری های نوین، حاکمیت شرکتی و واسطه های مالی تاثیر مثبت و معناداری بر تخصیص بهینه منابع مالی در صنعت بانکداری ایفا می کنند. انصاری برزل آباد (۱۴۰۳) به مطالعه بررسی نقش بودجه ریزی مشارکتی در بهینه سازی تخصیص منابع مالی شهرداری ها پرداختند. نتایج نشان می دهد که اجرای صحیح این مدل، نه تنها موجب افزایش بهره وری و توزیع عادلانه تر منابع مالی می شود، بلکه تاثیر مستقیمی بر رضایت شهروندان و افزایش سرمایه اجتماعی دارد. همچنین، بررسی ها نشان می دهد که در شهرهایی که از بودجه ریزی مشارکتی بهره برده اند، منابع مالی به طور مؤثرتری به پروژه های زیرساختی، حمل و نقل عمومی،

توسعه فضای سبز و بهبود خدمات شهری اختصاص یافته است. این مطالعه همچنین به شناسایی عوامل کلیدی موفقیت این مدل در مدیریت شهری پرداخته و پیشنهادهایی برای بهبود فرآیند اجرای آن در شهرداری های ایران ارائه می دهد. در نهایت، پژوهش بر ضرورت توسعه پلتفرم های دیجیتال برای مشارکت عمومی، افزایش سطح آگاهی شهروندان و اصلاح قوانین مرتبط با شفافیت مالی تاکید دارد.

زاینده رودی، محسن، جلالی اسفندآبادی، سیدعبدالمجید، فاطمی، مهدی (۱۴۰۲) به مطالعه بررسی عوامل موثر بر رشد بهینه مخارج دولت در اقتصاد با استفاده از روش کنترل بهینه پرداختند. نتایج حاصل از بررسی نشان می دهد که نرخ ترجیح زمانی، ضریب پیشرفت فنی، کشش تولید نسبت به سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی، نسبت مصرف بخش خصوصی به دولتی، موجودی سرمایه اثر منفی و معکوس بر رشد بهینه مخارج دولت در اقتصاد داشته اند. از طرفی نسبت سرمایه گذاری بخش دولتی به خصوصی، کشش جانشینی بین زمانی و نرخ استهلاک سرمایه ها اثر مثبت بر نرخ رشد بهینه مخارج دولت در اقتصاد ایران داشته است. همچنین حساسیت نرخ رشد مخارج دولت برای مقادیر مختلف متغیرهای مذکور برآورد گردید. نتایج محاسبات نشان می دهد بسته به مقدار پارامترها نسبت مخارج دولت به دوره قبل بین ۰٫۹۱ تا ۱٫۰۲۴ درصد متغیر است

ازودا و فادی (۲۰۲۴) در مطالعه ای با استفاده از رویکرد اقتصاد سیاسی به بررسی سیاست های بودجه ریزی دولتی در نیجریه و پیامدهای آن برای توسعه می پردازد. اهداف این مطالعه عبارتند از بررسی رابطه بین پویایی سیاسی، فرآیندهای بودجه ریزی و نتایج توسعه و شناسایی عوامل کلیدی موثر بر تصمیمات بودجه ای. در این تحقیق از روش تحقیق ترکیبی استفاده شده است که شامل تحلیل کیفی مصاحبه ها، گروه های متمرکز، تحلیل اسناد و تحلیل کمی ارقام بودجه ای و داده های آماری است. چارچوب های نظری از اقتصاد سیاسی بینش هایی را در مورد نقش نهادها، توزیع قدرت و منافع ذی نفعان در شکل دهی تصمیمات بودجه ای ارائه می دهند. یافته ها الگوهایی از تخصیص بودجه را نشان می دهد که به نفع مناطق و بخش های خاصی است و منجر به نابرابری در نتایج توسعه می شود. عوامل سیاسی، از جمله مشتری مداری، تصاحب نخبگان و فساد، به طور قابل توجهی بر تصمیمات بودجه ای تأثیر می گذارند و مانع تخصیص موثر منابع برای توسعه می شوند. شفافیت و پاسخگویی محدود در فرآیند بودجه ریزی مانع مشارکت عمومی می شود و به تخصیص نادرست منابع کمک می کند. این مطالعه توصیه می کند که شفافیت، پاسخگویی و مشارکت عمومی را افزایش داده و اصلاحاتی برای رسیدگی به تأثیرات سیاسی و ارتقای تخصیص عادلانه منابع برای توسعه پایدار در نیجریه انجام شود.

کونتادی و پوسپاساری (۲۰۲۳) مدل کارای بودجه برای شهرداری و سازمان های غیردولتی ترکیه برای سالهای ۲۰۱۵-۲۰۲۱ را با استفاده از معادلات ساختاری بررسی کرده اند. نتایج حاکی از آن است که شفافیت، اعتماد و مشارکت فعال سازمان های غیردولتی از عوامل موثر بر کارایی بودجه شهرداریها و سازمان های غیردولتی در ترکیه بوده است.

نویرا و همکاران (۲۰۲۱) اندازه بهینه دولت و رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه و کشورهای منا (MENA) (طی دوره ۱۹۸۸-۲۰۱۶ را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج تحقیق نشان می دهد که یک آستانه هزینه دولت برای رشد اقتصادی برای همه گروه کشورها وجود دارد و آستانه اندازه دولت برای کل نمونه بین ۱۰ تا ۳۰ درصد، برای کشورهای MENA بین ۲۰ تا ۳۰ درصد و برای کشورهای در حال توسعه بین ۱۰ تا ۲۰ درصد است. همچنین نشان داد که رابطه بین هزینه دولت و رشد اقتصادی به صورت غیرخطی بوده و شواهدی از رابطه U شکل وارونه بین هزینه دولت و رشد اقتصادی بدست آمده است.

۳- فرضیه های پژوهش

فرضیه اول. رشد اقتصادی کشور، بر میزان منابع مالی قابل تخصیص تأثیر دارد.
فرضیه دوم. نرخ تورم، بر قدرت خرید منابع مالی تخصیص یافته تأثیر دارد.
فرضیه سوم. نرخ بیکاری، بر الویت های تخصیص منابع مالی تأثیر دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر براساس روش مطالعات کتابخانه ای بوده و اطلاعات لازم جهت انجام پژوهش با استفاده از کتب، نشریات، مقالات و مجلات جمع آوری گردیده است. از آنجایی که موضوع تحقیق در ارتباط با شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد، لذا نمونه آماری نیز از این شرکت ها بوده و به گونه ای انتخاب شده است که از کلیه صنایع فعال در بورس، نمونه

انتخاب شده و این نمونه قابلیت تعمیم نتایج حاصله از تحقیق بر کل جامعه آماری (شرکت های پذیرفته شده در بورس تهران) را دارا می باشد.

در این تحقیق برای جمع آوری داده ها از نرم افزار stata14 استفاده شده است، جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ است، از میان این شرکتها، شرکت هایی که طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و وقفه معاملاتی بیشتر از شش ماه نداشته باشند در نظر گرفته شدند .

۵- مدل و متغیرهای پژوهش

۵-۱- مدل فرضیه اول پژوهش

$$\text{Ln AFRAA} = C + \beta_1 \Delta\% \text{GDP} + \beta_2 \text{Inf} + \beta_3 \text{UE} + \epsilon_{it}$$

که در آن:

Ln AFRAA = لگاریتم طبیعی منابع مالی قابل تخصیص

$\Delta\% \text{GDP}$ = رشد اقتصادی

Inf = نرخ تورم

UE = نرخ بیکاری

۵-۲- مدل فرضیه دوم پژوهش

$$\text{Ln PFRA} = C + \beta_1 \Delta\% \text{GDP} + \beta_2 \text{Inf} + \beta_3 \text{UE} + \epsilon_{it}$$

که در آن:

Ln PFRA = لگاریتم طبیعی قدرت خرید منابع مالی قابل تخصیص است که ابتدا باید منابع مالی قابل تخصیص بر حسب

ریال های ثابت سال پایه تعدیل شده و سپس از آن Ln گرفت.

۵-۳- مدل فرضیه سوم پژوهش

$$\text{Ln AFRP} = C + \beta_1 \Delta\% \text{GDP} + \beta_2 \text{Inf} + \beta_3 \text{UE} + \epsilon_{it}$$

که در آن

Ln AFRP = لگاریتم طبیعی منابع مالی قابل تخصیص الویت دار است که ابتدا باید منابع مالی قابل تخصیص الویت دار

بصورت زیر محاسبه شده و سپس از آن Ln گرفت.

AFRP = الویت صرف آنها * منابع مالی قابل تخصیص

۶- متغیرهای پژوهش

جدول ۱- متغیرها و نحوه محاسبه

نوع متغیر	نام متغیر	علامت اختصاری	نحوه محاسبه	منبع
مستقل	رشد اقتصادی	GDP	کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولید شده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی)	مرکز آمار ایران
	نرخ تورم	Inflation	تغییر در شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)	بانک مرکزی ایران و مرکز آمار
	نرخ بیکاری	Unemployment	درصد جمعیت فعال اقتصادی که فاقد شغل هستند تقسیم بر نسبت تعداد افراد بیکار به کل جمعیت فعال اقتصادی در ۱۰۰	مرکز آمار ایران
وابسته	میزان منابع مالی قابل تخصیص	AFRAA	کل بودجه ای که دولت برای هزینه های جاری و عمرانی در نظر می گیرد تقسیم جمع کل درآمدهای عمومی، نفتی و مالیاتی	بانک مرکزی ایران و وزارت اقتصاد
	قدرت خرید منابع مالی تخصیص یافته	PFRA	میزان تغییر ارزش واقعی منابع مالی تخصیص یافته نسبت به تورم تقسیم بر نسبت رشد منابع مالی تخصیص یافته به نرخ تورم	بانک مرکزی ایران و مرکز پژوهشهای مجلس
	الویت های تخصیص منابع مالی	AFRP	درصد بودجه اختصاص یافته به پروژه های عمرانی نسبت به کل بودجه تقسیم بر نسبت بودجه عمرانی به کل بودجه عمومی	سازمان برنامه و بودجه . بانک مرکزی ایران
کنترلی	اندازه شرکت	SIZE	لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در آخر سال مالی	نمونه های مورد بررسی

Bei, Zh. and W. P. Wijewardana (2012).	ارزش دفتری بدهی ها به دارایی ها در انتهای سال مالی	LEV	اهرم مالی
	درآمد دوره‌ی فعلی را از دوره‌ی قبلی کم، سپس پاسخ را بر درآمد دوره‌ی قبلی تقسیم کرده و در عدد ۱۰۰ ضرب	Sales Growth	رشد فروش
	بازده حقوق صاحبان سهام از تقسیم سود قبل از اقلام غیر عادی به ارزش بازار سرمایه.	ROA	نرخ بازده دارایی

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- آمار توصیفی

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای فرضیه‌های پژوهش

نام متغیر	علامت اختصاری	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی
میزان منابع مالی قابل تخصیص	AFR	۷۸۴۵	۷۸۵۰	۱۰۹۵۰	۴۵۰۰	۲۱۱۶/۹۲۶	-۰/۰۶۰۰۲۳
قدرت خرید منابع مالی تخصیص یافته	PPP AFR	۰/۰۰۸۹	۰/۰۲۵	۰/۰۳۵	-۰/۰۶۸	۰/۰۳۵۴۳	-۱/۴۶۱۳۲
اولویت های تخصیص منابع مالی	PAFR	۲۹/۶	۲۹/۵	۳۵	۲۵	۳/۰۴۱۱۴۵	۰/۱۶۹۱۸۸
رشد اقتصادی	GDP	۲/۵۱	۳/۵۵	۱۲/۵	-۶/۵	۵/۰۶۸۰۰۶	-۰/۱۶۰۵۱۳
نرخ تورم	Inflation	۲۷/۰۲	۳۰/۸۵	۴۶/۵	۸/۲	۱۳/۸۸۷۳۴	-۰/۱۴۶۷۶۹
نرخ بیکاری	Unemployment	۱۱/۲۱	۱۱/۳	۱۲/۹	۸/۷	۱/۲۶۳۴۷۹	-۰/۵۰۴۱۹۷
اندازه شرکت	Log Asset	۱۱/۲۱	۱۱/۳	۱۲/۹	۸/۷	۱/۲۶۳۴۷۹	-۰/۵۰۴۱۹۷
اهرم مالی	LEV	۰/۵۳۰۵۰۱	۰/۵۳۰۲۳۷	۱/۸۰۵۱۴۲	۰/۰۱۲۷۳۴	۰/۲۲۵۹۵۹	۰/۳۷۳۶۴۹
نرخ بازده دارایی	ROA	۰/۱۹۱۴۵۱	۰/۱۵۲۶۲۵	۱/۳۹۱۵۰۴	-۰/۳۹۰۲۶۴	۰/۱۹۰۹۹۸	۰/۹۴۱۵۴۹
رشد فروش	Sales Growth	۰/۴۸۴۴۷۱	۰/۳۲۵۵۸۱	۵۶/۰۵۹۱۸	-۰/۹۳۱۰۴۸	۱/۸۸۷۵۴۷	۲۴/۵۹۵۸۶

۸- یافته‌های پژوهش

۸-۱- آزمون فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: رشد اقتصادی کشور، بر میزان منابع مالی قابل تخصیص تاثیر دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون برای فرضیه اول

نام متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
رشد اقتصادی	-۱۶/۰۱۶۲۶	۱۰/۸۶۳۸۰	-۱/۴۷۴۳۷۸	۰/۱۴۰۷
اندازه شرکت	۵۴۸/۵۴۵۵	۳۱/۵۲۴۶۰	۱۷/۴۰۰۵۵	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۲۴۹/۴۳۷۱	۳۰۲/۹۸۱۲	-۰/۸۲۳۲۷۶	۰/۴۱۰۵
نرخ بازده دارایی	۱۹۳۵/۶۳۴	۳۶۸/۴۳۸۷	۵/۲۵۳۶۱۲	۰/۰۰۰۰
رشد فروش	۴۵/۲۳۴۸۴	۲۹/۱۴۱۶۳	۱/۵۵۲۳۴۲	۰/۱۲۰۹
مقدار ثابت	-۸۶۶/۲۶۱۸	۴۹۷/۴۸۷۵	-۱/۷۴۱۲۷۴	۰/۰۸۱۹
ضریب تعیین: ۰/۲۸۷۸۸۲	ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۲۸۴۵۶۷	آماره اف: ۸۶/۸۳۵۴۲	سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰	آماره دوربین واتسون: ۱/۵۵۳۲۴۸

۹- یافته‌های پژوهش

سطح معنی‌داری برای تک تک متغیرها و هم‌چنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده می‌توان ادعا کرد که ۲۸/۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مربوطه توضیح داده می‌شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض‌های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین- واتسون می‌توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره دوربین - واتسون محاسبه شده (۱/۵۵۳) بین ۲/۵-۱/۵ می‌باشد بیان‌گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده‌های اجزای خطا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود سطح معنی‌داری آماره t برای متغیر رشد اقتصادی از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد بیشتر است، بنابراین تأثیرگذاری متغیر فوق بر میزان منابع مالی قابل تخصیص رد و فرضیه اول پژوهش پذیرفته نمی‌شود.

فرضیه دوم: نرخ تورم، بر قدرت خرید منابع مالی تخصیص یافته تاثیر دارد.

جدول ۴- نتایج آزمون برای فرضیه دوم

نام متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
نرخ تورم	-۰/۰۰۰۴۸۹	۸/۹ E - ۰۵	-۵/۴۵۰۳۳۱	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۰۰۳۶۴۳	۰/۰۰۰۶۷۵	۵/۳۹۵۵۲۹	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۰/۰۱۶۶۳۹	۰/۰۰۵۸۵۶	-۲/۸۴۱۴۹۷	۰/۰۰۴۶
نرخ بازده دارایی	-۰/۰۱۳۴۵۷	۰/۰۰۷۲۸۴	-۱/۸۴۷۳۶۰	۰/۰۶۵۰
رشد فروش	-۴/۶۳ E - ۰۵	۰/۰۰۰۵۶۵	-۰/۰۸۱۸۱۹	۰/۹۳۴۸
مقدار ثابت	-۰/۰۲۲۸۴۵	۰/۰۰۹۹۳۸	-۲/۳۹۸۷۳۷	۰/۰۲۱۷
ضریب تعیین: ۰/۱۴۳۶۹۰	ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۱۳۹۲۳۸	آماره اف: ۹/۸۱۳۳۸۴	سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰	آماره دوربین واتسون: ۱/۵۸۰۱۸۵

۱۰- یافته های پژوهش

سطح معنی داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده می توان ادعا کرد که ۱۳/۹۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مربوطه توضیح داده می شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین- واتسون می توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره ی دوربین - واتسون محاسبه شده (۱/۵۸۰) بین ۲/۵-۱/۵ می باشد بیان گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده های اجزای خطا را نشان می دهد. همان طور که در جدول ۷ مشاهده می شود سطح معنی داری آماره t برای متغیر نرخ تورم از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است، بنابراین تأثیرگذاری متغیر فوق بر قدرت خرید منابع مالی تخصیص یافته تأیید و فرضیه دوم پژوهش پذیرفته می شود.

فرضیه سوم: نرخ بیکاری، بر الویت های تخصیص منابع مالی تاثیر دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون برای فرضیه سوم

نام متغیر	ضریب	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معناداری
نرخ بیکاری	-۰/۸۹۶۵۶۴	۰/۰۶۶۳۶۳	-۱۳/۵۰۹۹۸	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰/۴۴۸۶۶۵	۰/۰۴۸۲۵۲	۹/۲۹۸۳۱۸	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	-۱/۰۳۴۵۶۸	۰/۴۴۰۹۹۸	-۲/۳۴۵۹۶۹	۰/۰۱۹۲
نرخ بازده دارایی	-۱/۰۶۰۲۳۰	۰/۵۳۱۷۴۷	-۱/۹۹۳۸۶۲	۰/۰۴۶۴
رشد فروش	۰/۰۸۰۳۴۱	۰/۰۴۲۴۰۸	۱/۸۹۴۴۵۵	۰/۰۵۸۴
مقدار ثابت	۳۳/۴۱۸۲۱	۱/۱۹۵۷۰۶	۲۷/۹۴۸۵۲	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین: ۰/۲۷۰۱۰۷	ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۲۶۶۷۰۹	آماره اف: ۷۹/۴۸۹۶۹	سطح معناداری: ۰/۰۰۰۰	آماره دوربین واتسون: ۱/۹۲۴۶۴۲

سطح معنی داری برای تک تک متغیرها و همچنین برای کل مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد محاسبه شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده مدل برازش شده می توان ادعا کرد که ۲۶/۶۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته فرضیه پژوهش توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مربوطه توضیح داده می شود. خودهمبستگی نقض یکی از فرض های استاندارد الگوی رگرسیون است و از آماره دوربین- واتسون می توان جهت تعیین بود و نبود خودهمبستگی در الگوی رگرسیون استفاده کرد. آماره ی دوربین - واتسون محاسبه شده (۱/۹۲۴) بین ۲/۵-۱/۵ می باشد بیان گر عدم وجود خودهمبستگی است و استقلال باقی مانده های اجزای خطا را نشان می دهد. همان طور که در جدول ۹ مشاهده می شود سطح معنی داری آماره t برای متغیر نرخ بیکاری از سطح خطای قابل قبول ۵ درصد کمتر است، بنابراین تأثیرگذاری متغیر فوق بر اولویت های تخصیص منابع مالی تأیید و فرضیه سوم پژوهش پذیرفته می شود.

۱۱- بحث و نتیجه گیری

تخصیص منابع در حوزه های مختلفی همچون تدارکات شبکه و توزیع، مدیریت موجودی و غیره یک مشکل اساسی است. بهترین رویکرد به منظور تخصیص منابع در هر سازمانی، به ماهیت منابع، محدودیت های موجود و ماموریت سازمان ها بستگی

دارد. از آنجا که ماهیت مسئله تخصیص منابع، جستجو و انتخاب بهترین گزینه از میان گزینه های متعدد است، از روش های کمی مانند بهینه سازی به طور گسترده ای جهت حل مشکلات تخصیص منابع استفاده می شود.

بهینه سازی در علوم محاسباتی یا علوم مدیریت، به انتخاب بهترین راه حل از میان گزینه های موجود اشاره دارد و شامل طراحی یک سیستم یا فرایندی است که تا حد امکان از مطلوبیت خوبی برخوردار باشد. لازم به ذکر است که تعریف بهینه سازی از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. به عبارتی، آنچه که برای یک سازمان (با اهداف و ارزش های مختص به خود) بهینه است، برای سازمانی دیگر ممکن است از مطلوبیت لازم برخوردار نباشد. هر پارادایم مدیریت عملکرد، هر بیانیه ماموریت، می تواند به تعریف متفاوتی از رویکرد بهینه اشاره نماید و بر همین اساس، مدل بهینه سازی منابع باید براساس اهداف، متغیرهای تصمیم گیری و محدودیت های هر سازمان تعیین شود.

استدلال بر این است که بهینه سازی تخصیص منابع و بهبود بهره وری، جهت ارتقا و توسعه هر سازمانی ضروری است. هنگامی که سازمانی در تخصیص منابع خود از صنایع با بازده تولید پایین به صنایعی با بازده تولید بالاتر منتقل می شوند، این نوع تخصیص مجدد منابع به رشد اقتصادی منجر می گردد. نتایج تحقیقات نیز بیانگر این است که بخش زیادی از اختلاف در بهره وری سازمان ها را می توان به کارایی تخصیص منابع آنها مربوط دانست. همچنین تخصیص کارآمد منابع که برای رقابت پذیری و بقای یک سازمان امری اجتناب ناپذیری و ضروری است، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد و لازم است تمام عوامل با دقت بررسی شوند. یافته های حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می دهد که تأثیر رشد اقتصادی بر میزان منابع مالی قابل تخصیص به لحاظ آماری معنادار نیست و فرضیه اول پژوهش رد می شود.

هم چنین یافته های حاصل از آزمون فرضیه دوم بیان می کند که تأثیر نرخ تورم بر قدرت خرید منابع مالی تخصیص یافته به لحاظ آمار معنادار و فرضیه پذیرفته می شوند. افزایش نرخ تورم به طور قابل توجهی قدرت خرید منابع مالی تخصیص یافته را کاهش می دهد. این به این معنی است که با همان مقدار پول، می توان کالاهای کمتری نسبت به قبل خریداری کرد. در نتیجه، درآمدهای ثابت و تخصیص یافته، در برابر تورم ارزش خود را از دست می دهند و توانایی مالی برای تأمین نیازها و اهداف کاهش می یابد. نتایج حاصل از فرضیه سوم پژوهش نشان از تأثیر نرخ بیکاری بر اولویت های تخصیص منابع مالی به لحاظ آمار معنادار و فرضیه های سوم پذیرفته می شوند. نرخ بیکاری به عنوان یک شاخص مهم اقتصادی، تأثیر قابل توجهی بر اولویت های تخصیص منابع مالی دارد. افزایش نرخ بیکاری معمولاً منجر به تغییر در تخصیص منابع به سمت برنامه ها و سیاست هایی می شود که هدف آنها کاهش بیکاری و حمایت از بیکاران است.

۱۱-۱- پیشنهادات حاصل از یافته های پژوهش

در خصوص نتایج حاصل از فرضیه های پژوهش، پیشنهاد می شود:

با توجه به یافته های پژوهش، می توان بیان کرد تخصیص منابع که به عنوان برنامه ریزی منابع نیز شناخته می شود، منابع را برای یک دوره خاص به فعالیت های مختلف اختصاص می دهد. این فعالیت ها ممکن است شامل فعالیت های پروژه ای یا غیر پروژه ای گردد. به هنگام تخصیص، منابع ممکن است به طور کامل و یا جزئی در دسترس باشند و در همین راستا لازم است که مدیران هنگام اختصاص منابع به پروژه های مختلف، دسترس پذیری آنها را مدنظر قرار دهند. به طور کلی، تخصیص منابع، اختصاص منابع به یک کاربرد خاص است. در یک شرکت مبتنی بر پروژه، تخصیص منابع می تواند اختصاص یک شخص به یک پروژه یا فعالیت باشد. روند تخصیص منابع بخشی از مدیریت منابع است. برای این کار، اغلب از ابزارهای برنامه ریزی و مدیریت منابع استفاده می شود. از مهمترین حوزه های تخصیص منابع، تخصیص منابع مالی است که به روند تقسیم سرمایه و منابع کلی سازمان به سطوحی مختلف از کسب و کار اشاره دارد. لازم به ذکر است که فرآیند تصمیم گیری در تخصیص منابع مالی، با توجه به عواملی همچون سیاست های مدیریت ریسک، الزامات نظارتی، اقدامات عملکرد داخلی و ... ممکن است در عمل، فرایند بسیار پیچیده ای به شمار آید. اصل تخصیص اویلر (یا حاشیه ای یا شیب دار) را میتوان یک رویکرد معمول در تخصیص منابع مالی به شمار آورد. با این حال، رویکردهای بدیهی دیگری نیز در این حوزه وجود دارد که از مهمترین این رویکردها می توان به رویکرد بهینه سازی اشاره نمود. به طور کلی، تخصیص بهینه، تخصیص ابزارها و فعالیت های سازمان به واحدهای سازمانی یا نهادهای بازار می باشد، به طوری که سود سازمان یا سهم بازار بنگاه بیشینه گردد. در حوزه منابع مالی نیز، به طور کلی، تخصیص بهینه منابع مالی را می توان از اجزا و عوامل موفقیت برنامه های توسعه به شمار آورد. تخصیص بهینه منابع مالی، بیانگر تحقق اهداف برنامه ریزی در افق برنامه تعیین شده می باشد. لازم به ذکر است که هر چه افق برنامه ریزی بلندتر باشد، تخصیص بهینه منابع مالی نیز با دشواری بیشتری مواجه خواهد شد.

منابع

- باباجانی، جعفر. (۱۳۹۴). حسابداری پیشرفته بخش عمومی با رویکرد گزارشگری مالی چند سطحی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه.
- حسن آبادی، محمد و نجارصراف، علیرضا. (۱۳۸۶). مدل جامع نظام بودجه‌ریزی عملیاتی- مدل الماس، تهران، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران.
- دانش فرد، کرم اله و شیراوند، صفدر. (۱۳۹۱). "موانع استقرار بودجه‌ریزی عملیاتی در حوزه درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی"، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی گرگان، ۱۴ (۲).
- فرج‌وند، اسفندیار. (۱۳۹۵). فراگرد تنظیم تا کنترل بودجه، تهران، نشر فروزش.
- کرامتی، محمدعلی؛ و فهیمه بیات. (۱۳۹۵). "ارزیابی و رتبه‌بندی ابعاد و مؤلفه‌های اجرای بودجه‌بندی عملیاتی در شرکت‌های آب و فاضلاب ایران". پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۸ (۲۹)، ۵۹-۷۲.
- محقر، علی؛ صارمی، محمود و منظری حصار، مهدی. (۱۳۸۵). "به کارگیری مدل ریاضی مناسب به منظور تخصیص اعتبارات عمرانی استانی فصول بودجه به شهرستان‌های استان خراسان". فصلنامه دانش مدیریت، ۱۹ (۷۲)، ۸۶-۶۳.
- مختاری ناصری، کیوان. (۱۳۹۵). بودجه‌ریزی عملیاتی، تهران، سازمان مدیریت برنامه و بودجه، معاونت توسعه.
- موسوی مقدم، سمیه سادات؛ ناجی عظیمی، زهرا و توکلی، احمد. (۱۳۹۲). "تخصیص بهینه بودجه و انتخاب پروژه ها با استفاده از برنامه ریزی آرمانی (مطالعه موردی: سازمان آب و فاضلاب مشهد)". ششمین کنفرانس بین‌المللی انجمن ایرانی تحقیق در عملیات.
- نوری، علی حیدر؛ سرلک، احمد و رحمتی، محمدحسین. (۱۴۰۰). "تخصیص بهینه منابع بودجه عمومی دولت با تخمین تابع رفاه به روش گشتاورهای تعمیم‌یافته". فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۲۶ (۴)، ۹۱-۶۵.
- محمدی، سیده آرزو، مینویی، مهرزاد، فتحی، زاده، کرامتی، محمد علی و بختیاری، حسین. (۱۴۰۳). تخصیص بهینه منابع مالی مبتنی بر عوامل موثر در صنعت بانکداری. دانش سرمایه‌گذاری. doi: 10.30495/jik.2024.23760, 43-73, 15(57),
- انصاری برزل آباد، مصطفی، ۱۴۰۲، بررسی نقش بودجه ریزی مشارکتی در بهینه سازی تخصیص منابع مالی شهرداری ها، چهارمین همایش بین المللی علوم سیاسی، مدیریت، اقتصاد و حسابداری، همدان، <https://civilica.com/doc/2223672>
- زاینده رودی، محسن، جلالی اسفندآبادی، سیدعبدالمجید، فاطمی، مهدی (۱۴۰۲) بررسی عوامل موثر بر رشد بهینه مخارج دولت در اقتصاد با استفاده از روش کنترل بهینه. فصلنامه اقتصاد مالی. دوره ۱۷، شماره ۶۳، تیر ۱۴۰۲، صفحه ۱۳۹-۱۷۲
- Kuntadi. "accuracy planning budget and, capabilities resource human, commitment implementation .88-81), 1(11), JAK (Keuangan dan Akuntansi Jurnal 9236.v11i1.jak/29103.10/org.doi://https

Study of factors affecting the optimal allocation of budgeted financial resources in companies listed on the Tehran Stock Exchange

Abstract

The main objective of this study is to study the factors affecting the optimal allocation of budgeted financial resources in companies listed on the Tehran Stock Exchange that have been active during the period 2014 to 2023. The research method in question is causal and correlational, and the method of collecting information used in this study was library and also from the database of the Stock Exchange Organization, and the sampling method used in this study was systematic elimination, which ultimately resulted in a sample of 108 companies over eight years. The research is also an applied research type. This study has three hypotheses. The findings from testing the first hypothesis of the study show that the effect of economic growth on the amount of allocable financial resources is not statistically significant, and the first hypothesis of the study is rejected. The findings from testing the second hypothesis also state that the effect of the inflation rate on the purchasing power of allocated financial resources is statistically significant, and the hypothesis is accepted. And the results of the third hypothesis of the research show that the effect of the unemployment rate on the priorities of financial resource allocation is statistically significant and the third hypotheses are accepted.

Keywords: Financial resources, optimal allocation, budgeted financial resources, budget